



دین ابراهیم و فلسفه اجتماعی اسلام

«۳»

مؤمنین کسانی هستند که :

- ۱- ایمان بخدا دارند . چون نام خدا را نزد آنها ببری دلهایشان شاد شود چون آیات خدا بر آنها خوانده شود ایمانشان افزون گردد .
- ۲- بخدا توکل میکنند ۳- بروز جزا یقین دارند ۴- بخدا شرك نمی آورند
- ۵- نماز میخوانند و زکوة مال خود را میدهند ۶- خود را از حرام نگاه میدارند ۷- از رفتار لغو روی میگردانند و کار ناشایسته نمی کنند. ۸- از روزی خود انفاق میکنند . چون مالی داشته باشند
- بمردم می بخشند ۹- مشفق و مهربانند . ۱۰- راستگو هستند و در نیکوکاری از یکدیگر سبقت میگیرند ۱۱- سخن بحق و حقیقت میگویند و از خدا میترسند^۳

در انجام کار نیک توجه به نفس عمل است، نه تشریفات ظاهری آن، هر کس نیکوکار باشد پرهیزکار است و هر کس پرهیزکار باشد رستگار است .
منظور از بجا آوردن احکام اسلامی اینست که انسان دارای ایمان و عمل صالح گردد.

* آقای دکتر منوچهر خدایار محبی استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران .

۱- سوره نمل ۴۲۷-۳ ۲- سوره مؤمنون ۶۲-۵۸ ۳- سوره احزاب ۷۱-۳۳

نیکوئی در آن نیست که بطرف مشرق و مغرب روی کنید بلکه نیکوئی برای کسی است که ایمان بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتب آسمانی و انبیاء آورد.

نیکوئی آنست که مال خود را برای رضای خدا بخویشان و یتیمان و بیچارگان و راه‌گم‌کردگان و رهگذران و فقرا و سائلین بدهند و بنده آزاد کنند.

نیکوئی آنست که نماز برپا دارند و زکوة بدهند و چون پیمان بستند و فای بعهده کنند و شکیبائی در سختی‌ها و دست‌تنگی‌ها و مصیبت‌ها و در مبارزات نشان دهند. نیکوکاران کسانی هستند که در حال سختی و تنگدستی صدقه میدهند، سخن راست میگویند اگر چه بر ضرر خودشان باشد، آنان از خدا میترسند و پرهیزکارند^۱

از آیات فوق چنین نتیجه حاصل میگردد :

۱- نیکوکاری را در سه اصل قرار میدهد : اعتقاد بخدا - انجام تکالیف دینی با خلوص نیت و ایمان - بکار بردن اوقات و ثروت و فعالیت خود جهت بر طرف کردن حوائج مادی مردم .

۲- در پایان آیه نیکوکاران را پرهیزکار و اهل تقوی می‌شناسد، بنابراین شخص نیکوکار، پرهیزکار نیز میباشد و تقوی همان نیکوکاری است .

۳- نیکوکاری و تقوی امری واحد است که بنیاد آنرا «ایمان» تشکیل میدهد :

قرآن روشنی‌بخش دلها و یادآوری و هدایت برای اهل تقوی است^۲ آنانکه بخدا ایمان دارند و نماز پبای میدارند و از آنچه بآنها روزی داده‌ایم انفاق میکنند و می‌بخشند.

آنانکه بآنچه بتو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند و بآخرت یقین نموده‌اند . اینان از پروردگار راهنمایی یافته‌اند و رستگارند^۳.

متقین کسانی هستند که مال خود را در حال رفاه و سختی و توانگری و درویشی انفاق میکنند و چون خشمناک شوند خشم خود را فرو می‌برند و با قدرتی که دارند طرف را عفو می‌نمایند و در میگذرند خدا دوستدار نیکوکاران است، آنانکه کار ناشایسته کنند و یا مرتکب ستمی بخود شوند ولی خدا را یاد نمایند و برای آمرزش گناهان خود توبه کنند و بدانند جز خدا کسی قادر بر آمرزش گناه آنان نیست و اصرار بر گناه هم نداشته باشند نیکوکارانند^۴ :

۱- سوره بقره ۱۷۸ و ۲

۲- سوره بقره ۳۷۲ سوره آل عمران ۱۳۹ و ۳ سوره انبیاء ۴۹ و ۲۱ سوره نور ۳۵ و ۲۴

۳- سوره بقره ۶۲-۶۴ - سوره آل عمران ۱۳۶ - ۱۳۵

در آیه فوق «نیکوکار» و «متقی» دارای يك مفهوم است .
 در آیات دیگر هرکس نیکوکار است، پرهیزکار و اهل تقوی نیز میباشد^۱
 در قرآن «مؤمن» و «نیکوکار» در مقابل «مفسد و اهل تقوی» است و اهل تقوی
 در برابر شخص فاجر آمده است^۲

تقوی با ایمان همراه است و آیاتی از قرآن بر آن دلالت دارد.
 هدف از تقوی، ایمان بخدا، در نتیجه انس و الفت و برقراری ارتباط با نیکوکاران
 و ایجاد صلح در میان مردم است^۳

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید بردبار و شکیبا باشید و با یکدیگر
 به استقامت توصیه کنید و رابطه خود را با یکدیگر محکم نمایید و تقوی
 پیشه سازید.»^۴

«مال و فرزند زینت زندگی دنیا است ولی باقیات و صالحات (یعنی
 کار نیکو بهترین ثواب و پاداش را نزد خدا دارد و بهترین راه امید
 است.»^۵

عاقبت نیک برای پارسایان (اهل تقوی) است^۶ .

بنیاد اسلام ارشاد مردم به نیکویی و بازداشتن آنان از بدی است، بهمین جهت باید
 مسلمانان مردم را به نیکوکاری و ادار نمایند و از رفتار ناروا بازدارند تا امور اجتماعی
 بشر اصلاح گردد^۷ و اتحاد و اتفاق و انس و الفت برقرار شود. قرآن هدف تعلیمات
 خویش را چنین بیان میکند :

«باید از شما امتی رشد کند که مردم جهان را دعوت بخیر و سعادت
 و امر به نیکویی و معرفت نماید و از زشتی بازدارد.»^۸

وسیله برقراری ایمان و نیکوکار ساختن اصل مهمی از فروع دین اسلام را تشکیل
 میدهد که «امر بمعروف» و «نهی از منکر» نام دارد. وظیفه هر مسلمانی است که مردم
 را به ایمان و نیکوکاری و تقوی تشویق کند و از پندار و گفتار و رفتار ناروا بازدارد . در
 طرز اجراء این تکلیف میان مسلمانان تفاوتی نیست بلکه هرکس باید بسهم خود ارشاد
 مردم را درباره خویش بپذیرد و خود نیز متقابلاً مسئولیت دارد راهنمایی کند و دیگران
 را با ایمان و با تقوی سازد .

نتیجه آنکه در اسلام بدون ایمان اقدامی مؤثر نیست ، زیرا بی‌ایمانی سودجویی
 ایجاد میکند و همکاری اجتماعی و اموری را که بنفع عموم است ضایع می‌سازد و از میان
 می‌برد، در اثر وجود ایمان ، تقوی ایجاد میگردد و مردم بمناسبت این صفت عالی حقوق
 و حدود خود و دیگران را رعایت میکنند و هرکس سعی می‌کند در حدود مسئولیت

۱- سوره مائده ۹۴ و سوره نحل ۱۶ و ۱۲۹

۵- سوره کهف ۱۸ و ۴۶ سوره مریم ۱۹ و ۷۷

۲- سوره ص ۳۸ و ۳

۶- سوره طه ۲۰ و ۱۳۳

۳- سوره انفال ۲ سوره نحل ۱۶ و ۳۱

۷- سوره آل عمران ۳ و ۱۱۱

۴- سوره نساء ۲۰ همچنین نظیر آن: سوره انفال آیه ۲ - ۸ سوره آل عمران ۳ و ۱۰

خویش کار کند و بحقوق دیگران تجاوز ننماید، در نتیجه احساس اعتماد همگانی در مردم رشد میکند و بر قراری تقوی و نیکوکاری را ممکن می‌سازد، که بعد از ایمان اصل دوم تعاون اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

قبل از فتح مکه در اسلام، قریش نسبت به مسلمین مرتکب گناه شدند و به آزار و اذیت آنان پرداختند ولی پس از مبارزات زیاد شکست خوردند و مسلمین پیروز گردیدند، در این مورد قرآن بمسلمانان دستور می‌دهد:

حال که فاتح شده‌اید گناه و جرم طائفه‌ای که در آغاز اسلام شما را از رفتن بمسجد الحرام منع میکردند، گناهکار و مجرم نسازد که تعدی کنید و دشمنی و ستم پیشه سازید، شما باید بر بنیاد نیکوکاری و تقوی همکاری نمائید و بر اساس گناه و ستمکاری تعاون نداشته باشید!

در این آیات تعاون بر اساس «اثم» و «عدوان» جایز نیست.

«اثم» رفتار ناروا را گویند. اثم کسی است که رفتاری ناروا دارد و گناهکار است. عدوان ظلم آشکار و ستمکاری است. از نظر اسلام ظلم و ستم رفتاریست که انسان برخلاف شریعت اسلامی انجام دهد، زیرا مقررات اسلامی بر مبنای حفظ حدود و حقوق انسان است و رفتار خلاف آن دشمنی آدمی با نفس خویش است، چون چنین رفتاری جایز نیست بنابراین مسلمان نباید خصومت و دشمنی بدشمنی پاسخ دهد، بلکه باید به نیکی جواب گوید، تا در دشمنان اسلام ایجاد محبت نماید و دشمنی را بدوستی تبدیل کند.

گناه و ستمکاری چون در جامعه‌ای رایج گردد ایمان و اعتماد را از بین میبرد و تقوی را ضایع می‌سازد.

در قرآن نوشته است هر کس از خدا روی بگرداند بچیزی مبتلا میشود که ترس و گرسنگی نام دارد. ترس از اینکه بر رفتار مردم اعتماد ندارد و فاقد امنیت معنوی و اخلاق اجتماعی است. گرسنه است زیرا حقوق و حدود او را رعایت نمی‌کنند. در نتیجه از لذت سیری اجرای قانون نمی‌تواند برخوردار گردد، در صورتیکه مؤمن حقیقی یا شخص نیکوکار، طبق مندرجات قرآن نباید بترسد و اندوهناک گردد، اگر ایمان داشته باشد.

چون گناهکار و ستمگر از تقوی و ایمان کامل برخوردار نیست خداوند او را دوست ندارد^۲ در این مورد بخائن و مفسد و مجرم و منافق و ظالم در یک ردیف قرار دارند و خداوند

۱- سوره مائده ۳۵: «... لایجر منکم شمان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تمتدوا و تماونوا علی البر و التقوی و لاتماونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب».

۲- سوره بقره ۲۷۷، ۲۸۸، ۱۰۸، سوره قمری ۲۸، ۲۸، سوره آل عمران ۵۸-۱۴۱

ظالم را رستگار نمی‌سازد!

بهین جهت دعای شخص با ایمان و دارای تقوی باید این باشد که خداوند اوراد ر صفت ستمکاران و ظالمین قرار ندهد^۲

گناه و ستم در اصول دیانت اسلام اعراض و روی گرداندن از خداست که بفساد تعبیر شده است^۳.

خدا کسی را که برای او شریک قرار دهد نمی‌آمزد ، کسی که بخدا شرك آورد ، افتراء بخدا بسته و مرتکب گناهی بزرگ شده است؛ زیرا شرك بخدا ظلم یا ستمی بزرگ است^۴. زیرا اگر انسان هر چیزی را از جاندار و بی‌جان با خدا یار سازد و بستایش پردازد ، خود را کوچک شمرده و بتعظیم و تکریم درباره موجوداتی پرداخته است که یا برابر او هستند ، یا در مقام پست تر قرار دارند، در هر دو صورت با رفتار خویش به نفس خود ظلم کرده است ، بنابراین خلافکاران بخدا ظلم نمی‌کنند ، بلکه با خویشتن دشمنی می‌نمایند^۵.

همانطور که خدا به نیکوکاری و تقوی دستور میدهد ، شیطان انسان را، به بدی و زشتی وادار می‌سازد^۶ چون شیطان دشمن انسان است ، بنابراین اخذ طریقه او ظلم بنفس است :

ای گروه مردم آنچه برای شما حلال و پاک در زمین است بخورید و از گامهای لفظنده شیطان پیروی نکنید ، چون شیطان دشمن آشکار شماست. کار انحصاری شیطان اینست که شما را بزشتی و بدی دستور میدهد و بر آن میدارد که آنچه نمیدانید درباره خدا بگوئید^۷ ای آنانکه ایمان آورده‌اید همه شما داخل در محیط سلم و صفا شوید و پیروی از دسایس شیطان و گامهای لفظنده او نکنید که او دشمن دیرین هویدا و آشکار شما میباشد^۸.

شیطان شما را به بیچارگی وعده میدهد و به فحشاء و زشتی امر مینماید ولی خدا شما را وعده آمرزش و مغفرت و فضل و رحمت

۱- سوره یوسف ر ۲۴ ، سوره بقره ۱۹۴ ر ۲ سوره هود ر ۱۱۸

۲- سوره مؤمنون ۹۵ ر ۲۳

۳- سوره آل عمران ر ۶۵-۶۴

۴- سوره نساء ر ۴۹

۵- سوره آل عمران ر ۱۵۲

۶- سوره زخرف ۷۷ ر ۴۳ سوره بقره ۲۳۲ ر ۲-۵۸-۵۵ سوره کهف ۳۵ ر ۱۸ سوره شعراء ۲۶ ر ۲۱ سوره

آل عمران ر ۱۱۸ سوره عنکبوت ۴۱ ر ۱۵-۱۵ سوره روم ۹۳ ر ۳۰ سوره هود ر ۱۰۲ سوره ابراهیم ر ۴۶

۷- سوره نور ۲۲ ر ۲۴

۸- سوره بقره ۱۷۷ ر ۲-۱۷۶

۹- همان سوره ۲۱۶ ر ۲

میدهد ، خدا رحمتش وسیع و بهمه چیز داناست . خدا بهرکس
بخواهد حکمت و دانش و بینش عنایت میکند و کسی را که حکمت و
دانش دهد بحقیقت و راستی ، خیر و برکت بسیار بخشیده است .
ولی این مسئله را تنها خردمندان درک میکنند .

بنابراین راه خدا راه دوستی و روش شیطان طریق دشمنی است .^۲

بطور کلی طریق الهی و نیکوکاری آنست که درپندار و کردار و گفتار سود جامعه
درنظر گرفته شود نه افراد . آزادی فرد تا حدودی است که زیانی بجامعه وارد نیاید
و منافع مشروع کسی از میان نرود . بهمین جهت کلیه اموریکه حقوق دیگران را ضایع
سازد و میان مردم تفرقه اندازد ، درقرآن به فساد و ستمکاری و نفاق و فسق و بدکاری
و جرم تعبیر شده است ، خلاصه آن همانست که قرآن میگوید : « بر پایه گناهکاری و
دشمنی تعاون نداشته باشید » ، نظیر و ادار ساختن مردم بکاری های زشت^۳ و تکبر و
بی اعتنائی نسبت بدیگران^۴ دزدی اموال مردم و کم فروشی و بی عدالتی و سودجویی در
کسب و تجارت^۵ زیان رساندن بدیگران بهر نحوی که باشد^۶ در حدیث میتوان در یک
جمله خلاصه گفت : «مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند»^۷
باین ترتیب ظلم و جرم و ستمگری اعراض از خداست و کار مردم بی ایمان است^۸ .

ایمان بخدا ، یعنی نیکوکاری ، بقدری در اسلام اهمیت دارد که میتوان از آن فلسفه
تاریخ استخراج کرد ، حقیقت آفرینش انسان برای اینست که خدا را بندگی کند^۹ ،
مقصود از بندگی خدا ، انجام دستورات الهی و در نتیجه نیکوکاری است . این حقیقت
فلسفی و تاریخی دوجنبه دارد :

یکی فردی ، که هر مسلمانی باید رعایت کند تارستگار گردد ، دیگری اجتماعی که پایه
و اساس برقراری جامعه را تشکیل میدهد .

از نظر قرآن اقوامی برقرار مانده اند که بخدای واحد بر اساس شرائط ملاکورایمان
داشته اند و نیکوکاری را شعار خود ساخته اند . اقوامی از میان رفته اند که گفتار انبیاء

۱- سوره بقره ۲۷۰-۲۶۹

۲- سوره کهف ۵۷-۵۰ سوره فرقان ۳۸-۲۰ - ۹ سوره نور ۲۴-۵۱

۳- سوره نهم توبه یا پرائت آیات ۶۷-۶۹

۴- سوره مؤمن ۴۰-۵۷ سوره یونس آیه ۷۶

۵- سوره یوسف ۲۴ سوره هود ۸۶

۶- سوره نساء ۱۱۳ سوره بقره ۲۷۲-۲۵۵

۷- ابن بابویه کتاب الخصال : «السلام من سلم المسلمون من یدیه ولسانه» .

۸- سوره هود ۱۱۷-۱۱۴

۹- سوره الذاریات ۵۷-۵۲ : ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون .

راتکذیب کردند و بدکاری را پیشه ساختند اعراض از نیکی و روی آوردن ببدی بهر نسبت که پیشرفت کند، بهمان اندازه رشته‌های الفت و مودت اجتماعی را می‌گسلد و از اعتماد و اطمینان مردم نسبت بیکدیگر می‌کاهد و آن قوم را بنابودی و نیستی می‌برد.

برای نشان دادن نتیجه نیکوکاری و رواج بدکاری در جامعه، اسلام از روش تاریخی استفاده می‌کند و بمردم دستور می‌دهد که در وضعیت اجتماعی اقوام گذشته تحقیق کنند و از عاقبت آنانکه از دستور خدا اعراض کردند اطلاع حاصل کنند تا نتیجه نیکو کاری و بدکاری را دریابند.

«در زمین گردش کنید و عاقبت گناهکاران را مشاهده نمائید»^۱

در سوره مؤمن می‌پرسد: «آیا در زمین گردش نمی‌کنند تا عاقبت آنانرا که قبل از ایشان بودند و دارای نیرو و آثار بیشتری در زمین بودند مشاهده کنند که خداوند آنها را به گناهشان از میان برد و آنانرا محفوظ نداشت»^۲

طبق مندرجات قرآن، شعیب بقوم خود می‌گوید: «ای قوم خدا را بپرستید و جز او خدایان دیگر را بندگی نکنید. در زمین فساد نکنید، من از عذابی که شما را روزی در برگیرد، بر شما می‌ترسم» قوم وی با و پاسخ می‌دهند: «آیا دعای تو فرمان می‌دهد، آنچه را که پدران ما می‌پرستیدند ترك کنیم و ثروت خود را آنطور که دلخواه ماست مصرف نکنیم. شعیب می‌گوید: ای قوم مبادا دشمنی شما با من گناه شما را افزون سازد و بسرنوشتی مبتلا گردید که با قوم نوح و هود و صالح و لوط رسید.

چون از شعیب اطاعت نکردند، شرك و فساد را دنبال کردند، عذاب الهی شامل حال آنان گشت و از میان رفتند ولی شعیب و پیروان او که خدا پرست و نیکوکار بودند نجات یافتند و رستگار شدند»^۳

نوح نیز مأمور شد تا قوم خود را بیم دهد و بخدای یگانه دعوت کند و بدکاری را از میان ایشان براندازد ولی قوم وی از او فرمان نبردند و جملگی از میان رفتند ولی پیروان نوح، یعنی: نیکوکاران نجات یافتند.

هود نیز فرمان یافت تا قوم عاد را بخدای واحد دعوت کند و از فساد و تباهی بازدارد. چون قوم او نافرمانی از آیات پروردگار را پیشه خود ساختند و بدکاری را دنبال کردند، خدایان خود را ترك نکردند و از اطاعت خدا و پیغمبران سرباز زدند و از ستمگران پیروی کردند، بعذاب الهی دچار شدند و از میان رفتند ولی هود و پیروان او که خدا پرست و نیکوکار بودند از خشم الهی مصون ماندند.

خداوند صالح را فرستاد تا قوم ثمود را به خدای یکتا دعوت کند و نیکوکاری را برای

۱- سوره نمل ۷۲، ۷۳ سوره انعام ۱۲۶ سوره روم ۴۲، ۳۰

۲- سوره مؤمن ۲۳، ۴۰ سوره روم ۱۵، ۳۰

۳- سوره هود ۹۸، ۹۹، ۸۶

۴- سوره هود ۵۲، ۲۸

۵- همان سوره ۶۴، ۵۳

آنان سرمشق قرار دهد، ولی قوم ثمود از صالح اطاعت نکردند، در آتش بدکاری خود سوختند و از آنان اثری بر جای نماند.^۱
 قوم لوط از میان رفتند، برای اینکه از لوط اطاعت نکردند. این قوم را قرآن ستمگر میخواند؛ زیرا بار فشار ناشایست خود بخویشتن ستم کردند.^۲
 بنابراین بقای جامعه در اسلام بر بنیاد نیکوکاری و تقوی قرار دارد و از میان رفتن آن نتیجه گناهکاری و دشمنی بایکدیگر است.

۱- همان سوره ۷۱-۶۵

درباره از میان رفتن اقوام در اثر ستمکاری و دشمنی رجوع شود به: سوره فرقان ۴۰-۲۵ سوره شعراء ۱۷۳-۲۶ - ۱۵۸ - ۱۴۰ - ۱۲۱ - ۶۵ سوره نمل ۵۲-۵۵-۲۷ سوره قصص ۲-۴۱-۲۸ سوره روم ۹-۴۲-۳۰ سوره صافات ۷۲-۳۷ سوره مؤمن ۴۰-۵ سوره اعراف ۱۳۴-۱۲۹ سوره هود ۹۸-۹۶-۹۰ سوره الحجر ۷۹-۵۹-۱۳-۵ سوره نحل ۱۱۴-۸۶-۲۹ سوره ابراهیم ۱۴ سوره دخان ۴۴-۳۸-۲۳ سوره زاریات ۳۱-۳۳ سوره قلم ۶۸-۳۶ سوره مرسلات ۷۷-۱۹
 ۲- سوره هود آیه ۸۴

آینه و زنگی

یافت آئینه زنگی در راه	و ندرو روی خویش کرد نگاه
بینی پنخ دید و دولبا زشت	چشمی از آتش ورخی زانگشت
چون برو، عیبش آینه ننهفت	برزمینش زد آنزبان و بگفت:
کآنکه این زشت را خداوندست	بهر زشتیش در ره افکندست
گر چو من پرنگار بودی این	کی در این راه خوار بودی این
بی کبسی او، ز زشت خوئی اوست	ذل او از سیاه روئی اوست

از حدیقة الحقیقه و طریقة الشریعه حکیم سنائی قرن ششم هجری